خوارج را بشناسیم..

(1)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذی أمر بالتثبت فی الأحکام والأخبار والصلاة و السلام علی النبی المصطفی المختار و علی آله صحبه والأطهار والأبرار و علی من اتبع هدیهم و علی سنتهم خطا و سار، أما بعد؛

دراین روزگار، بیانات و فتاوی و أحکامی دیده می شود که از طرف مخالفین دولت اسلامی صادر می شوند که مضمونشان حکم به خوارج بودن آن می باشد.

به طوری که حتی أبو بصیر الطرطوسی در مقاله ای مي گوید: (جماعت دولت که به اسم داعش معروف است، از خوارج غلات محسوب می شوند بلکه با أفعال أخلاقشان، از خوارج أوائل را نیز در بسیاری از صفات و أفعال پیشی گرفته اند..اینان بین غلو و تندرویی و تجاوز و دشمنی و ریختن خون حرام، جمع کرده اند...بر اینان و أمثالشان حدیث صحیح رسول الله صلّی الله علیه وسلم حمل می شود که از ابو أمامه رضی الله عنه روایت شده است که ایشان می فرمودند: (الخوارج کلاب أهل النار: خوارج سگان اهل جهنم می باشند) معجم الکبیر الطبرانی[270/8] که سندش حسن می باشد.) انتهای قول ابو بصیر الطرطوسی.

همان طوریکه در بعضی از فیلم های رسمی و تصاویر انتشار یافته، دیده می شود که چطور برخی از جماعات بمباران و گلوله بارن خود را به طرف مقرات دولت اسلامی صرف می کنند به حجت این که دولت اسلامی، خوارج واز غلات وخوارج می باشند.

و این از زشت ترین دروغها و خبیث ترین عیب هاست، منهج دولت اسلامی، منهج و عقیده اهل اسلام است، بر اساس عقیده اهل سنت و جماعت بِرگرفته از فهم سلف صالح أمت، مخصوصاً در أسما و أحکام وایمان کفر و اصول دین و امثال من در حدّی نیستند تأیید و تزکیه اینان کند!

امیر المؤمنین سابق دولت اسلامی شیخ أبو عمر البغدادی رحمه الله تعالی می فرماید: (قول ما در ایمان، قول وسط است بین خوارج اهل غلو و بین مرجئه است اهل تفریط). ا هـ

سخنگوی رسمی دولت اسلام شیخ أبو محمد عدنانی می فرماید: (أما شما، ای کسانی که به جیش المجاهدین و جبهة ثوار سوریا شناخته می شوند! و هر کسی که اینان را حمایت کرده و کمک کند و یا همراه با آنها بجنگد و یا از انحرافات آنها سکوت کند! حتی از گروهای که پرچم های اسلامی برداشته اند، چه کسی شمارا فریب داده؟ چه کسی شما را در این فتنه انداخته؟؟ به طوری که به خود جرأت داده و با مجاهدین می جنگد به اهل توحید خیانت می کنید؟)

تا این که می فرماید: [چه خواهی گفت زمانیکه مجاهد کشته شده به دست شما بکوید که خدایا از اینان سؤال کن که به کدام جرمي مرا کشته است؟ ایا خواهي کفت: به خاطر کافر بودنش؟ پس قسم به الله ما کافر نیستیم، آیا خواهی گفت: به خاطر خوارج بودنش؟ پس قسم به الله خوارج نیستیم، پروردگارا از او بپرس که چرا مرا کشته است؟ آنگاه چه جوابی خواهی داشت؟؟ آیا خواهی گفت: یک مجاهد مهاجر را به خاطر بر پایی یک دولت مدنی[1] کفری که حتی معنایش را هم نمی دانم، کشته ام؟!

پس کمی بیاندیش ای مسکین و بیچاره! بیاندیش قبل از اینکه به میدان جنگ بیایی و بزرگانت تو را به فتنه اندازند! بیاندیش! به فرق بین دولت مدنی و دولت اسلامی پی ببر! بیاندیش و بدان که خوارج چه کسانی هستند؟ بیاندیش که خوارج را چطور می شناسی؟!] (از بیانه: الرائد لا یکذب اهله)

برای اینکه اینان از مصادر پاک ومصتبر و بدون تبلیس و پوشش و فریب کاری فرا گیرند و مردم عامی توسط این سخنان پوچ فریب داده نشوند وبرای مجاهد نیز این مسائل پیچیده و شبهه ناک نشود، این مقاله نوشته و نامش را (تبصیر المحاجج؛ بالفرق بین رجال الدوله الاسلامیة و الخوارج) گذاشته ام.

اختصار و ایجاز پیشه کرده تا اینکه استفاده از آن راحتر باشد، ولی این مقاله نیاز شخص را که برطرف نمی کند چون بسیار مختصر است.[2]

ابوسفیان تركي بن مبارك البنعلي السلمي

1435-2014

[1] .رؤساي فصائل به صراحت به طرف دموكراسي و حريت رأي و دولت مدني دعوت مي دادند و اعلان مي كردند كه براي اين ارمان قتال مي كنند! حتي وارد مجالس كفري همانند ائتلاف و اركان شده و با مجلس عسكري همكاري نموده و در مواقعي انان را عليه مجاهدين نصرت نيز دادند! براي اطلاع بيشتر مي توانيد به اصدارهاي: "تفنيد الشبهات" و "الصارم الحسام" و "حقيقة الدولة الاسلامية و خصومها" مراجعه نماييد كه در انها مي توانيد صوت و تصوير كلام رؤساي فصايل مخالف دولت اسلامي را ديده و شنيده و خود قضاوت نماييد!

حكم همه اين مواردي كه در مورد فصائل ذكر شد در دين الله واضح و اشكار است! مي توانيد به عنوان تحقيق به كتاب "موقف الدولة الاسلامية من الجبهة الاسلامية" كه هيئت بحوث و افتاي دولت اسلامي ان را منتشر كرد مراجعه كنيد كه در ان = مناطات كفري را در اين فصايل اثبات كرده و حكم شرع را در موردشان بيان مي كند تا بر كسي عذري نماند بر اينكه ادعا كند دولت اسلامي اين فصايل را از روي هوي و هوس تكفير كرده است...!مترجم

[2] .مسأله خوارج را در كتاب(الكوكب الدري المنير) مفصل بحث كرده ايم.

محور اول:مقارنه بین دولت امام محمد بن سعود و دولت اسلامی.

امام محمد بن سعود با همکاری و ارشادات امام محمد بن عبد الوهاب دولتی در شهر درعیه بنا نهادند که حکم به شریعت می نمود، سپس این دولت از درعیه به شهر ها و روستاهای اطراف تمدد و توسعه یافت ، خرواری از اتهامات و سیلی از افترائات متوجه این دولت شد، وتهمت هايي از این قبیل: با اهل اسلام می جنگند و با علمای امت در بنا کردن این دولت مشورت نکرده اند و ...!!!

این تهمت ها و مخالفت ها حتی در بین اشخاص با علم رایج شده بود! در بین برخی از اهل آن روزگار نیز از مخالفین بزرگ این دولت بودند! همانند امام محمد بن علی الشوکانی رحمه الله در مورد دولت امام محمد بن عبد الوهاب می فرماید: [آنها هر کس را که زیر سلطان دولت نجد نباشد و اوامر دولت را بجا نیارد را خارج از اسلام میدانند (و تکفیرش می کنند)!] کتاب: {البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع 5/2}.

پس تعجب نکن هنگامی که مطلبی می خوانی از هرکسی که این دولت را دولت خوارج می داند، امام ابن عابدین، امام حنفی مذهبان زمان خودش در مورد امام محمد عبد الوهاب و اتباعش می فرماید: [اما در مورد اتباع عبد الوهاب که خوارج این زمانند!! در مورد آنان همین کافی است که اعتقاد به کفر هر کس با آنها مخالفت نماید و یا علیه آنها خروج نماید، همانطوریکه در بین اتباع عبدالوهاب که از نجد سر بیرون نهاده اند و رشد یافته اند تا اینکه بر مدینه و مکه تسلط یافته اند! آنها مذهبشان حنبلی است ولی معتقند که فقط خودشان مسلمانند و هر کسی که با عقاید آنها مخالفت نماید مشرک است! به همین دلیل کشتن اهل سنت و علمای اهل سنت را مباح می دانند! تا این که در سال1233 (هجری قمری) خداوند قدرت و شوکت آنها را در هم شکست و بلادشان را خراب کرد و سربازان اسلام را بر آنها پیروز نمود.]اهـ کتاب: {حاشیة ابن عابدین 413/6}[3]

بلکه الحداد بعضی از صفات خوارج را در کتابش ذکر میکند تا در آخر به دروغ مدعی می شود که این صفات در شاگردان محمد بن عبد الوهاب و سربازان دولت محمد بن سعود یافت می شود، به دروغ می گوید: [مهترین از همه علاماتی است که رسول الله صلّی الله علیه وسلم در احادیث بسیاری آشکارا در مورد خوارج بیان می کند، به طوری که برای ما بیان می کند که ابن عبد الوهاب و پیروانش جزو خوارج می باشند، اهل نجد بودنشان! از مشرق بودنشان! همانگونه که معلوم است؛ نجد در شرق مدینه قرار دارد، سیما و موهایشان تراشیده شده است و از مشرق آمده اند.]اهـ کتاب: {مصباح الأنام ص 5}

[3] . حتي مفتي شافعي مذهب هاي مكه در زمان دولت نجد فتواي خوارج بودن دولت نجد را داده و به زعم خودش براي دفع تجاوز و دشمني انان حاضر شد با سربازان بريطانيايي عليه دولت نجد همكاري كند.!! تامل كن! و همينطور جميل الزهاوي فتواي خوارج بودن انها را داد (الضياء الشارق 1\167) و رافضي الكنهوري نيز در (كشف النقاب ص 77 و 78). مترجم

الدجوي در مجله الأزهر یازده صفت از صفات خوارج را جمع کرده و به دروغ ادعا کرده است که این صفات در اتباع و سربازان دولت شیخ محمد بن عبد الوهاب وجود دارد. {مجله الأزهر، شماره 5 ص 329}

امام رافضی ها العاملي نیز می گوید: وهابیان (اتباع امام محمد عبد الوهاب) از سیزده جانب شباهت به خوارج دارند.(کتاب؛ کشف الإرتیاب ص 114-136).

تاریخ دوباره با همان متن وهویتش تکرار می شود، هنگامی که دولت اسلامی بنا شد، اشخاص پوچ و ضعیف و سرزنشگر شروع به افتراء بستن به دولت اسلامی نمودند، به طوری که در آن هنگام زهران بن عبدالله علوش[4] گفت: (برای تمامی برادرانم روشن کنم که؛ به اعتقاد من گروه دولت بغدادی از عقیده و منهج خوارج اول پیروی میکند بلکه از آنها گمراهتر و شدیدتر.) [نگاه کن به حسابش در تویتر]

و نیز در مورد جنگ با دولت اسلامی گفت: (فتنه این است که حق و باطل با هم التباس شده باشد، به صراحت تمام بگویم ما در مقابل فتنه نیستیم بلکه در مقابل طایفه باغی که عقیده خوارج دارند هستیم) اهـ

محمد بن عبد الله مسعری در مورد جنگ با دولت سلامی این گونه می گوید: (داعش خوارج است، به این خاطر مردم را به خاطر عبادت قبور و صحوات بودن تکفیر می کند!! این که آنان خوارجند ما به آن یقین داریم! از قبل هم آنها خوارج می دانیستیم یعنی وقتی که در عراق بودند! مادامیکه آنها خوارجند پس علاج خوارج مشخص است.)اهـ

دیگران نیز همین گونه می گویند همانند العرعور و الفرفور و القرقور و همچنین شیخ سوء سرور!

برادرانم می بینید! همان تهمت هایي که به دولت امام محمد بن عبد الوهاب زده می شود به دولت شیخ بغدادی نیز می شود، آنها را نیز خوارج دانستند، اینان را نیز خوارج می دانند!! فرق اینجاست، کسانی که دولت محمد عبدالوهاب را خوارج می دانستند حقیقتا علماء بودند (همانند شوکانی و ابن عابدین و...) ولی کسانی که این دولت را خوارج می دانند جماعات گمراه و طوائف گمراه و فصائل جنایتکار (همانند جیش المجاهدین و جبه ثوار سوریا و...) مي باشند.

[اقرؤوا التاریخ إذ فیه العبر ***ضل قوم لیس یدرون الخبر]

تاریخ را بخوانید که در آن در عبرت است –آن قومی گمراه شود که از خبر و وقایع آگاهی ندارد.

[4] . رئیس حرکت جیس الأسلام و از بزرگان الجبهة اسلامیه و از بزرگترین مخالفین دولت اسلامی. مترجم

محور دوم: آیا اصول خوارج همانند اصول بزرگان و سربازان دولت اسلامی است؟

خوارجی که احادیث در مورد آنان وارد شده است فرقه های معتددی است، صاحب کتاب (الفرق بین الفرق) آنها را بیست فرقه ذکر می کند، اسمائشان را آورده و می گوید که بعضی از آنها به فرقه های دیگری تقسیم شده اند.

هر فرقه ای برای خود گمراهی هایی دارد که خدا می داند! ولی همگی خوارج را این اصول جمع می کند (یعني در این اصول مشترکند)؛

1-مرتکب کبیره را تکفیر کرده و او را در جهنم جاویدان می دانند و شفاعت در حقش را نفی می کنند:

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله تعالی می فرماید :(اصل قول خوارج این است که آنها با گناهان کبیره تکفیر می کنند، و آنچه را که گناه نیست گناه میدانند)اهـ [مجوع الفتاوی 221/3]

حافظ ابن حجر رحمه الله تعالی می فرماید: (حکم مرتکب کبیره نزد خوارج، کافر بودنش است)اهـ [فتح الباری 297/12]

امام ابن ابی عز حنفی رحمه الله تعالی می فرماید: (احادیث در مورد شفاعت در حق اهل کبائر این امت، از کسانی که داخل جهنم شده و با این شفاعت خارج می شوند بسیار متواتر است، علم به این احادیث بر خوارج و معتزله مخفی مانده به خاطر جهلشان نسبت به صحت این احادیث، به همین خاطر با این موضوع مخالفت نموده اند، برخي هم صحت این احادیث را می دانند، و از روی عنادشان مخالفت کرده و بر روی بدعتشان پافشاری می کنند.)اهـ [شرح عقیده الطحاویه ص233]

همه می دانند و نزدیک و دور شهادت می دهند که امراء و جنود دولت اسلامی مرتکب کبیره را تکفیر نکرده و معتقد به خلود او در جهنم نبوده و شفاعت را در حق او انکار نمی کنند، بلکه تمام عالم شاهدند که چطور دولت اسلامی بر زناکار حد اجرا کرده و کسی که اذیت والدین خود را کند، تنبیه می نماید! اگر دولت اسلامی خوارج بود خون این گونه افراد را حلال می دانست! چون زنا و اذیت پدر و مادر از گناهان کبیره است! تأمل کن!

امیر المؤمنین سابق دولت اسلامی شیخ ابو عمر بغدادی تقبله الله می فرماید: (ما کسی از مسلمین را که به سوی قبله ما نماز می خواند را با ارتکاب گناهانی همچون زنا و نوشیدن شراب و خمر و دزدی تکفیر نمیکنیم، مادامیکه این گناهان را حلال ندانسته باشد.]اهـ (عقیدة الدولة الاسلامیة)

2-تکفیر به عموم و همه مردم مسلمان (یعنی بر کفر دانستن اصل همه مسلمانان) :

امام ابو الحسن الأشعری رحمه الله می فرماید: (أزارقه گمان می کنند هر کس که در دار الکفر بماند کافراست، چاره ندارد جز خروج از آن)اهـ [مقالات الإسلاميين 88/1]

همچنین خوارج می گویند: (هرگاه حاکم کافر گردد؛ ملّت همگی کافر می گردنند)اهـ [مرجع سابق]

این عقاید را بزرگان دولت اسلامی به شدت انکار می کنند و درمقابلش سکوت نکرده و هیچ گاه به آن اقرار نمی کنند، سخنگوی رسمی دولت اسلامی شیخ أبو محمد عدنانی حفظه الله می گوید: (دوست دارم در مورد شبهه ای که در موردش بیان می گردد، سخن بگویم؛ این که اصل حکم مردم نزد ما بر کفر است، این جمله از بدعت های خوارج عصر بوده و دولت به کلی از آن بیزار و برئ است، اعتقادش این است که عموم مسلمانان در عراق و شام مسلمان هستند، کسی ازآنها را تکفیر نمی کنیم مگر آن کسی که ارتدادش نزد ما با دلایل شرعی و قطعی از لحاظ دلالت و ثبوت، ثابت شده باشد.

و هر کسی از سربازان دولت اسلامی را بیابیم که قایل به این بدعت باشند، تعلیمش خواهیم داد، واگر توبه نکرد، تنبیهش خواهیم نمود، او را از صفوف خود طرد خواهیم کرد و از او بیزاری می جوییم! واین کار را بسیار انجام داده ایم، هم با مهاجرین و هم با انصار!) [بیانه: لک الله ایتها الدولة المظلومه].

3-خروج بر حاکم و سلطان مسلمان:

امام شهرستانی در مورد خوارج می فرماید: (خروج بر حاکمی که مخالفت سنت کند را حقّی واجب می دانند)اهـ[الملل و النحل ص54]

امام ابو الحسن الأشعری در کتاب المقالات الإسلاميين(156/1)ذکر کرده است که خوارج: (قائل به خروج علیه سلطان مسلماني که ظالم مي باشد هستند.)اهـ

این امری است که سربازان و امرای دولت اسلامی آن را انجام نداده اند بلکه بر علیه طواغیتی همچون نوری المالکی رافضی در عراق و بشار نصیری در شام خروج کرده اند. همانطوریکه علیه طاغوت عصر آمریکا خروج نموده اند، وزیر جنگ سابق دولت اسلامی ابو حمزه مهاجر رحمه الله تعالی می فرماید: (ما در جنگ فلوجه از شدت گرسنگی برگ درختان را می خوردیم و از شدت تشنگی بدنمان خونریزی کرده بود، بسیاری از برادرانان در آن روزگار از شدت تشنگی شهید شدند! در این هنگام بود که گوش خود را به دنیا سپرده بودیم تا بلکه به حقیقت پیوستن آرزوهایمان را شاهد باشیم که عالمی از علما خارج شود و با بیانات و عمل خود برادرانش در فلوجه که پشت سر هم کشته می شوند و ذبح می شوند ولی به خاطر الله متعال سلاح خود را در این جهاد ترک نکرده اند! حمایت کند و از آنها دفاع نماید. (نه تنها نشنیدیم) بلکه برعکس آن را مشاهده نمودیم، این علماء در خطبه عید بیرون آمدند و در مورد ما گفتند که: ما خوارجیم!!.

آیا پس کسی که بر علیه آمریکا خروج کند و از حریم امت دفاع نماید خوارج است؟؟! ای اهل فضیلت ما شما را تکفیر کرده ایم؟! آیا عموم مسلمین را تکفیر کرده ایم؟! یا اینکه بخاطر دفاع از شما و دفاع از ناموس و فرزندان شما جنگیده ایم؟؟!)اهـ

4-بیزاری از صحابه و تکفیرشان:

امام شهرستانی هنگامی که فرقه های خوارج را می شمارد، بیان می کند: (بزرگترین فرقه خوارج از این قبیلند: المحکمة و الأزارقة ونجدات و البهسیة و العجاردة والثعالبة و الإباضیة والصفریة و دیگر فرقه ها هم فروع این فرق محسوب می شوند، ولی جامع همگی آنها: بیزاری جستن از عثمان و علی رضی الله عنهما می باشد که این را بر هر طاعتی مقدم کرده اند و حتی صحیح بودن نکاح را بر اساس آن می دانند) اهـ [الملل و النحل ص55]

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله تعالی نیز می فرماید: (به این خاطر است که خوارج، عثمان و علی و پیرانشان و هر دو طائفه جنگ صفین را تکفیر کرده اند و عقاید خبیثی این گونه دارند)اهـ [مجموع الفتاوی 221/3]

مردم همگی مخصوصاً، محبت و احترامی که جنود و امرای دولت اسلامی نسبت به صحابه مخصوصاً خلفای راشدین دارند را می دانند، آنها اسامی صحابه و خلفای راشدین را کنیه خود می کنند: فلان والی أبو عمر است و این فرمانده أبو عثمان می باشد و این امیر أبو علی است و همینطورمقایسه کن و بشمار! وأما کنیه امیر المؤمنین هم که برای کسی مخفی نیست! بلکه کتائب وگردان های مجاهدین به اسامی صحابه زینت داده شده است و عملیاتشان به نام صحابه نامگذاری می شود، دنیا همه عملیات (غزوه الثأر للصحابة) یعنی غزوه انتقام برای صحابه را شاهد بودند.

أمیر المومنین أبوبکر بغدادی حفظه الله تعالی می فرماید: (و أما شما ای رافضی های کینه توز بدانید که: ما فرزندان حسن و حسین و نوادگان أبوبکر و عمر و عثمان و ذی النورین هستیم و جدّ ما حیدر کرار أمیر المؤمنین علی می باشد و جد شما هم کسري و ابولؤلؤ مجوسي مي باشد) اهـ [بیانه: یأبی الله إلّا أن یتم نوره]

5. عدم استناد به حدیث و سنت در چیزی که نص قران در آن وارد نیست؛

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه الله می فرماید: (خوارج فرقه های بسیاری می باشند از اصول جامع آنان یکی این است که فقط استدلال به قران می کنند و هر چه از احادیث باشند را قبول ندارند.)اهـ [فتح الباری 546/1]

و نیز می فرماید: (خوارج و بعضی از معتزله ها رجم زناکار متأهل را قبول ندارند، به دلیل این که در قران ذکر نشده است)اهـ [فتح ابری 143/12]

هر که امرا و سربازان دولت اسلامی را می شناسد می داند که آنها در هر چیز تمسک به سنت می کنند در امورات کوچک و بزرگ، از سنت های بیدار شدن از خواب بگیر تا سنت های حکومتی و تدبیر امور!

شیخ ابو مصعب الزرقاوی رحمه الله می فرماید: (ما دینی داریم که الله سبحانه تعالی آن را به عنوان میزان و داور نازل کرده است: قولش قاضی امور ، حکمش هم بیهوده نیست و این همان نسبی است که بین ما و مردم قرار دارد، پس الحمدلله که موازین ما آسمانی و أحکام ما قرانی و قضایای ما نبوی است)اهـ

محور سوم: آیا صفات و اقوال خوارج در فروع همان صفات و أقوال أمراء و سرابازان دولت اسلامی است؟

خوارج صفات و اقوال بسیار مشهوری در فقه دارند که با آن اقوال شناخته شده و به خاطر این اقوال با اقوام دیگر ، تمییز داده می شوند که عبارتند از:

1-جهل نسبت به اصول وفروع دین:

امام مسلم در صحیحش از طریق علی رضی الله عنه روایت می کند و می فرماید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: (در آخر زمان قومی کم سن و سال خارج خواهند شد که از قول بهترین بندگان می گوید، قرآن می خوانند ولی از حلقوم و حناجر آنها پایین تر نمی رود.)

امام نوی رحمه الله می فرماید:[(یقرؤن القرآن لا یجاوز من حناجرهم) یعنی قلوبشان فهم و تفقه نمی کند و از آن چیزی که تلاوت می کنند نفع نمی برند، هیچ بهره ای جز تکان دادن لبها و حنجره و حلق که وظیفه ادای حروف را دارند، ندارد.] نگاه کن به: (شرح صحیح مسلم امام نووی رحمه الله 224/7)

عظیم آبادی رحمه الله می فرماید: [(سفاء الأحلام) یعنی کسانی که عقلشان ضعیف است.] (عون المعبود 42/13).

بلکه شیخ اسلام ابن تیمیه رحمه الله تعالی بیان می کند که اینان از جهت جهلشان کتب خاص خود را نیز ندارند همانند فرق گمراه دیگر ؛ می فرماید: (ما با اقوال خوارج را ازطریق مردم آشنا شده ایم، بر کتاب خاصی از آنان اطلاع پیدا نکرده ایم، ولی معتزله و رافضة و زیدی ها و کرامی ها و أشعري ها و

سالمیه و أهل مذاهب چهار گانه و مذهب ظاهری و مذاهب اهل حدیث و فلاسفه و صوفی ها همگی کتب خاص خود را دارند.)اهـ [مجموع الفتاوی 13/ 48]

این شأن خوارج است، اما شأن دولت اسلامی و بزرگانش دقیقاً بر عکس این است، دولت اسلامی دارای علماء و طلاب علم و قاضیان و مدرسان و داعیان بسیاری است.[5] چه کسی بود که کتب علمای سلفی

---

[5] . اما در مورد علماي دولت اسلامي:

بايد دانست كه هرجماعت اسلامي تشكيل شده از هيئت ها و بخش هاي مختلفي من جمله هيئت شرعي است! هيئت شرعي دولت اسلامي نيزاز بدو تشكيل مملؤ از علما و قاضيان و مفتي ها و طلبه علم و خطيب ها و داعيان مي باشد! كه مي توان به اين نفرات اشاره كرد (اين اسامي علماي داخل دولت اسلامي است):

1. الشيخ الامام الخليفة ابراهيم بن عواد البدري (داراي دكتوراي فقه اسلامي و ماجيستر دراسات قراني و حافظ قران و مسلط بر قرائات عشر از دانشكاه اسلامي بغداد)

شيخ محمد بن رزق طرهوني در موردش مي فرمايد: به خدا قسم او با كبار علماي سعودي نيز مقارنه و برابري مي كند.. مردي عالم است و لياقت استقلال در فتوا را دارد.. در فصاحت و بلاغت حتي دكتر محمد المختار الشنقيطي و عبدالكريم الخضير نيز مثل او فصيح و بليغ نيستند!"محاضرة: من هم علماء الدولة الاسلامية"

2. ابوالعباس عبدالوهاب التميمي (وزير هيئات شرعي دولت عراق اسلامي)

3. المفتي شفاء ابن علي النعمة ابو عبدالباري (فارغ التحصيل دانشكاه اسلامي مدينة و مفتي دولت اسلامي در موصل و رئيس مركز الافتاء در موصل و رئيس مركز المتقين) كه شيخ طرهوني به او "امام" مي كويد.

4. الشيخ عبدالله بن شفاء النعمة

5.الشيخ ابوعلاء عبدالرحمن مصطفي العفري(مفتي عام و شرعي عام كنوني دولت اسلامي) محاضرات ايشان بر روي يوتيوب يافت مي شود.

6. الشيخ ابومالك انس النشوان التميمي تقبله الله (فارغ التحصيل دانشكاه مدينة و معهد عالي قضاوت) كه قبل از هجرت به شام از مفتيان قاعده خراسان بود!

7. الشيخ الدكتور عثمان ال نازح تقبله الله (فارغ التحصيل دانشكاه تهامة در رشته اصول فقه) كه وزير اوقاف دولت اسلامي نيز بود در شهر عين الاسلام شهيد شد.

8. الشيخ ابوسفيان تركي بن مبارك البنعلي (از تلاميذ شيخ ابن جبرين و شيخ ابومحمد المقدسي و شيخ الحدوشي و شيخ محمد امين بوخبزة).

9. العالمة الاستاذة الدكتورة ايمان بنت الشيخ العالم المعروف مصطفي ديب البغاء (عضو هيئت تدريس جامعة الدمام و استاد اصول فقه و اقتصاد اسلامي و ديبلم تاهيل تربوي و مشرف بر هيئت اعجاز جامعة الدمام) كه دكترايش را در فقه اسلامي از جامعة دمشق اخذ كرده است.

و از علماي خارج دولت اسلامي نيز نزديك به شصت عالم اسلامي مشهور تاييدشان مي كند.

اما برخي علماي مؤيد خارج از دولت اسلامي:

1.الشيخ العالم ابو محمد الطحاوي

2.الشيخ المحدث حسان بن حسين

3.الشيخ المحدث مساعد بن بشير السوداني

4.الشيخ المحدث محمد بن رزق الطرهوني(از علماي جهادي اهل مصر كه ساكن سعودي است و بزركترين علماي سعودي و يمن و مصر تزكيه ايشان كرده اند همانند:شيخ بكر ابو زيد و لازم به ذكر است كه شيخ طرهوني يكي از امضا كننده هاي مبادره ي شيخ ابومحمد المقدسي بود.)

5. الشيخ العلامة ناصر بن حمد الفهد فك الله اسره (يكي از علماي بارز عصر و حافظ نه كتاب حديث)

6. الشيخ المحدث حمد بن عبدالله الحميدي

7. الشيخ العالم المجاهد حسين بن محمود

8. الشيخ العالم ابو داود احمد السافري البوادي

9. الشيخ العالم عبدالرزاق اجحاء شيخ السلفيين در مغرب.

را وارد عراق کرد؟ چه کسی بود که حلقات وکلاس های علوم شرعی را در شام بر پا نمود؟؟ آیا می خواهید که برایتان تعداد کتاب های را که تا به حال به چاپ رسانده نام ببرم؟؟ چقدر مقالاتی که نشر داده است؟؟ بلکه بسیاری از گروه های مبارزه در شام[6] و همچنین مردم عامی، هر گاه برایشان مسأله ای پیش می آمد به سراغ شیوخ دولت اسلامی مي رفتند و از آنها سؤال می پرسیدند.

ویا این که هیئت های اعلامی دولت اسلامی را بنگر که هر فیلمی را که صادر می کند حاوی این جمله شیخ الأسلام ابن تیمیه است که می فرماید: (پس برپایی دین با کتابی که هدایت می کند و شمشیری که یاری می دهد می باشد (کفی بربک هادیاً و نصیراً))اهـ [7]

2- اهل اسلام را می کشند و اهل کفرو بت پرستی را رها می کنند .

در حدیث أبو سعید الخدری رضی الله عنه در وصف خواج آمده است که رسول الله صلَّى الله علیه وسلم فرمودند : (اهل اسلام را می کشند و اهل کفر و بت پرستی را رها می کنند .) [متفقٌ علیه]

عظیم آبادی رحمه الله تعالی می فرماید: (یقتلون اهل الإسلام) بخاطر تکفیر مسلمانان با ارتکاب کبائر، (یدعون اهل الإوثان) با فتحه روی دال، یعنی کسانی که عبادت بت ها می کنند و سائر کفار را رها می کنند.)اهـ

این از بارزترین صفات خوارج است ولی دولت اسلامی جنگش را اعلام نساخته مگر برای حفظ خون اهل توحید وقتال با اهل شرک ومشرکین.

در بیانه (نداء من الدولة الاسلامیة فی العراق والشام) روز شنبه به تاریخ 3/ ربیع الأول / 1435هجری قمری آمده است: (از مهمترین اهداف دولت اسلامی، حفظ خون و اموال و ناموس است)اهـ

امریکا و روافض و مرتدین برای جنگ با دولت اسلامی، جمع شدند تا این که آمریکا فرار کرد و رافضه ذلیل گشتند و مرتدان خوار شدند!

10.الشيخ الدكتور محمدعلي الجزولي السوداني
11. الشيخ العلامة عبدالمجيد الهتاري الريمي اليمني
12. الشيخ الفقيه عمر عبدالخالق السوداني
13. الشيخ الفقيه محمود شعبان المصري
14. الشيخ العلامة محمد سالم المجلسي الشنقيطي
15. الشيخ المجاهد عبدالقادر مؤمن از علما و رؤساي حركت الشباب صومالي...
و غيره... مترجم

[6] . قبل از وقوع فتنه بین مجاهدین.مترجم

[7] . اصدارات "نوافذ علي ارض الملاحم" و "رسائل من ارض الملاحم" صادر از مؤسسه الفرقان و الاعتصام .. كتاب يهدي و سيف ينصر! . مترجم

امیرالمؤمنین سابق دولت اسلامی أبو عمر بغدادی رحمه الله تعالی می فرماید: (ما پناه می بریم به الله و بسوی او بیزاری می جوئیم و شما را شاهد می گیریم که؛ ما خون معصوم یک مسلمان را هم قصداً نریخته ایم مادامیکه همچون مسلمین نماز به پا می دارد و به قبله آنها استقبال می کند و ذبیحه ما را می خورد.

قسم به الله اگر خلاف این به من ابلاغ شود، ذلیلانه برای الله در دادگاه قضاوت در مقابل ضعیف ترین مسلمانان خواهم نشست تا بلکه حقش را بگیرد و لو اینکه از خون من باشد! قسم به الله که ما دنیا راترک نکرده ایم که داخل آتش گردیم! به خاطر امارتی که نمی دانیم فردا به سببش الله با ما چه رفتاری خواهد کرد (این در مورد ضعیف ترین مسلمانان) چه رسد به خون مجاهدان وکسانی که أصحاب سبقت در راه جهاد هستند (که در آنصورت نزد ما بسیار با ارزشتر است). اهـــــ

امیر المؤمنین فعلی دولت اسلامی شیخ ابوبکر بغدادی می فرماید: (برای ما همین کافی است که؛ ا لله می داند ما با صداقتی تمام و اخلاص بسیار سعی خودمان را کردیم بلکه مسلمانان را حمایت کرده و از ناموس و حریم آنها دفاع کنیم وخونشان راحفظ نماییم، ولی شب و روز متهم می گردیم به این که؛ ما مسلمانان را در شام تکفیر کرده ایم! پناه بر الله! خون آنها را مباح ساخته ایم! به الله قسم هرگز! برای ما همین کافی است که الله میداند ما چقدر حریص بر امنیت و سلامت أهلمان در شام هستیم وما تنها کسانی بودیم که سنگینی مسؤلیت برچیدن بساط دزدان و چپاول گران و قطاع طریق را بر عهده گرفتیم، ولی باز شب و روز متهم شدیم به اینکه ما اهل خود را در شام تکفیر کرده ایم واینکه از اهل شام قبر های دسته جمعی ساخته ایم، لا حول لا قوة الا بالله! برای ما همین کافی است که الله می داند؛ ما به روستا یا منطقه ای و یا خیابانی داخل نگشته ایم الا این که مسلمانان در آن بر مال و جان و ناموس خود ایمن شدند و دزدان و قطاع طُرُق و مجرمان از آنجا فرار کردند، ولی باز شب و روز متهم شدیم که ما مسلمانان را به وحشت انداخته ایم و خون و حُرَمات آنان را مباح ساخته ایم)اهـ [از بیانه: والله یعلم و أنتم لا تعلمون]

سخنگوی رسمی دولت اسلامی شیخ ابو محمد عدنانی می گوید: (اگر ما را جلو آوردند و یکی پس از دیگری گردن بزنند بهتر از کشته شدن قصدی یک مسلمان است! قسم به الله ما به خاطر آنها نفیر کرده ایم! و براي دفاع از مال و خون و ناموس آنها آمدیم! و همیشه دوستشان خواهیم داشت هرچندکه از ما نفرت داشته باشند، همیشه نصرتشان خواهیم داد هر چند ما را مخذول و خوار کرده باشند، ما زندگی آنها را می خواهیم هر چند آنها مرگ ما را بخواهند.)اهـ [از اصدار: ربیع الانبار]

قول وزیر جنگ سابق دولت اسلامی نیز در صفحات قبل آورده شد که فرمود: (آیا کسی که علیه آمریکا خارج شود و با آن بجنگد و از حریم امت دفاع نماید از خواج است؟؟ آیا ما شما را تکفیر کرده ایم ای بزرگواران؟ آیا عموم مسلمین را تکفیر کرده ایم؟ یا اینکه برای دفاع از شما و ناموس وزنان و أطفال شما جنگیده ایم؟)اهـ

از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلّی الله عیه وسلّم فرموده است: (مردمانی از طرف مشرق خارج می گردنند قرآن قرائت می کنند ولی از گلوی آنها پایین تر نمی رود، از دین مروق و و خروج می نمایند همانطور که تیر از کمان خروج می نماید سپس به آن بر نمی گردند تا این که تیر به سوفار خود بر گردد، گفته شد: قیافه ایشان چطور است؟فرمود: سیمایشان تر اشیده شده است.) [روایت بخاری]

امام ابن أبی عاصم در کتاب السنه، باب (المارقة و الحروریة و الخوارج السابق لها خذلان خالقها) از سهل بن حنیف رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلّی الله علیه وسلّم فرمودند: (قومی از مشرق ظهور خواهد کرد که سیمایشان تراشیده شده است.)

امام ابن جر عسقلانی رحمه الله می فرماید: (خوارج موهایشان تراشیده شده است ولی سلف موهایشان را رها می ساختند و نمی تراشیدند عادت تمامی خوارج این بود که تمامی سر خود را می تراشیدند)اهـ [فتح الباری 86/8]

شیخ ابو محمد مقدسی نیز می فرماید: (آنچه در مورد ما جالب است این است که اکثر ما وأکثر اهل دعوت مبارک توحید - یعنی همه آن کسانی که تهمت به خوارج بودن زده شده اند - موهایمان را دراز می کنیم به حدّی که بعضی از جهال دراز کردن مو را بر ما عیب می کیرند) اهـ [الرسالة الثلاثینة ص 561]

بر کسی از امت پوشیده نیست که شیران دولت اسلامی با وفرة و لمة و جمة[8] شناخته شده اند.

4-قایل به صحت خلافت غیر قریشی هستند:

قاضی عیاض رحمه الله تعالی می فرماید: (اشتراط قریشی بودن به عنوان شرط امام, مذهب همگی علماست، و برخی از علما آن را از مسائل اجماع ذکر کرده اند، از یکی از سلف هم خلاف این وارد نشده است و همچنین از علمای بعد از آن در تمام مناطق خلاف آن نقل نشده است وهیچ اعتباری به

---

[8] . امام عظیم آبادی می فرماید : (بدان برای موهای انسان سه نام وجود دارد الجمة با ضم جیم و تشدید میم ، الوفره با فتح واو و سکون فاء و اللمه با کسر لام و تشدید میم ، الجمة تا شانه هاست ، الوفره تا نرمه گوش هاست ، واللمة بین شانه ها و گوشهاست ، نزدیک شانه هاست ولی به آن برخورد نکرده است .) اهـــ

امام ابن اثیر در (النهایة) نی فرماید : (الجمة یعنی بر روی شانه ها ریخته شده باشد و اللمه هم مو های سر که کمی کو تاه تر از الجمة است و الوفره هم مو های سر گفته ی شود که به نرمه گوش رسیده باشد) اهـ

قول خوارج و کسانی از معتزله که با آنان موافقت کرده اند نیست.) [از فتح الباری (کتاب الأحلام) باب: الأمر من قریش) و بنگر به الملل و النحل الشهرستانی ص 116]

امام شهرستانی در مورد خوارج می فرماید: (خروج خوارج در زمان صحابه به خاطر به دو امر بود: اولی؛ به خاطر بدعتشان بود که قایل بودند که جایز است امامت در غیر قریشی باشد.)اهـ [الملل والنحل ص 55]

از فقه دولت اسلامی یکی این بود که امامت و خلافت را در قریشی گذاشت، نه نسب دیگری! قبلاً هم به بیعت امیر المؤمنین أبو عمر بغدادي دعوت داده بود که ایشان هم از سادات طائفه أعرجیه بود از ذریه السید علی الصالح پسر السید عبید الله الأعرج پسر السید الحسین الأصغر پسر امام زین العابدین السجاد پسر امام حسین پسر أمیر المؤمنین علي و فاطمه دختر محمد رسول الله علیه وسلّم بود.

سپس دولت اسلامی بیعت به أمیر المؤمنین أبوبکر بغدادی حفظه الله تعالی داده است، او نیز از سادات طائفه بدری از ذریه علی هادی پسر محمد جواد پسر علی الرضا پسر موسی الکاظم پسر جعفر الصادق پسر محمد باقر پسر علی زین العابدین پسر حسین پسر علی بن أبی طالب و فاطمه دختر محمد رسول الله صلّی الله علیه وسلّم مي باشد.[9]

5-انکار بعضی از حدود شرعی:

امام شهرستانی از قول خوارج ذکر می کند که: (آنها رجم زانی را انکار می کنند به علت که در قرآن نیامده است و همچنین حدّ قذف را انکار می کنند در حالیکه باید به کسانی که به زنان پاکدامن تهمت می زند حد قذف اجرا کرد.)اهـ [الملل و النحل ص 58]

امام ابن حجر در مورد خوارج می فرماید: (بلا ومصیبت آنها بسیار شود، عقایدشان گسترش یافت تا اینکه رجم زنا کار را انکار کردند و دست دزد را از شانه قطع نمودند)اهـ [فتح الباری 297/12]

اما دولت اسلامی هرچه که در توان داشته است صرف کرده است تا شرع الله را در هر چیزی (در اعراض و أموال) تحکیم کند. حدی که از طرف الله و رسولش تعیین شده باشد را انکار نکرده است بلکه دست

[9] . با اينكه قريشيت شرط مجمع عليه خلافت محسوب مي شود ولي برخي ادعاي صحت غير قريشي را كرده و مدعي مي شوند كه اميرالمومنين ملا عمر خليفه بوده و بعد از او اختر منصور مي باشد!! درحاليكه هر طالب علمي و مطلع اخباري مي داند كه: اولا. ملا عمر رحمه الله تعالي ادعاي اينطوري در حياتش نكرده و كساني هم كه با ايشان در جلال اباد بيعت دادند براي خلافت بيعت ندادند بلكه براي امارة اسلامي "افغانستان" و ثانيا. بر كسي مخفي نيست كه ملاعمر رحمه الله تعالي 4 شرط از شروط اصلي خلافت را نداشت: الف. قريشي بودن, ب.علم به مرتبه اجتهاد, ج. عقيده اهل سنت و جماعت, د. سلامت اعضاء!

شيخ ايمن حفظه الله تعالي در نامه اش به ابومصعب الزرقاوي تقبله الله مي نويسد: (ملاعمر يك حنفي مذهب مقلد ماتريدي است.) اينكه خليفة بايد مفتي و مجتهد باشد از شروط بوده (مراجعه به: احكام السلطانية الماوردي و الغياثي امام الجويني)و بايد عقيده اهل سنت را در باب اسماء و احكام و ايمان و كفر داشته باشد, ماتريدي ها عقيده مرجئه در ايمان دارند و در اسماء و صفات اشعري اند و غالبا قائل به خلق قران مي باشند!مترجم

دزد را بعد از توفر شروط قطع، قطع کرده است همانطور که رسول الله صلّی الله علیه وسلّم قطع کرده است و بر کسی که به زنان پاکدامن تهمت زده باشد، حد قدف را اجرا کرده است و زنان متأهل را رجم و سنگسار کرده است.

محور چهارم: آیا با خوارج ابتداءَ جنگیده می شود؟! آیا مصلحت امت اجازه می دهد در اوضاع به هم خورده و شلوغ مسلمین با آنها جنگید؟؟

ادعاها و فتاوی در این باره که دولت اسلامی خوارج است بسیار گشته که همگی تشویق به جنگ با آنان می کنند! تا حدی که ابو بصیر طرطوسی در مقاله اش می گوید: (بر تمام مجاهدان اهل شام شرعاً واجب است که با آنها بجنگند و دشمنی آنها را برگردانند..که این جهاد فی سبیل الله است.. وبعد از آن همگی با یقینی تمام و جازم شهادت خواهیم داد که کشته های اهل شام مأجور بوده و شهداء می باشند _ بإذن الله تعالی- و کشته های داعش گناهکارند و در آتش جهنم اند! بلکه از سگان آتش جهنم!.. آنها در این جنگ در صف طاغوت بشار ایستاده اند.. و ما این گفته رسول الله را تکرار می کنیم که (طوبی لمن قتلهم و قتلوه؛ خوشا به حال هر کسی که آنها را کشته و آنها او را کشته باند.)اهـ

اگر از روی جدل هم شده اقرار به خوارج بودن دولت اسلامی بکنیم، باز هم خوارج مسلمان هستند ولی گمراه می باشند و کافر محسوب نمی شوند ابن أبی شیبه در مصنف خود (332/15) از طارق بن شهاب می آورد که گفت: نزد علی بن أبی طالب بودم که در مورد اهل نهروان از ایشان سؤال پرسیده شد: که آیا آنها مشرکند؟

فرمود: (آنها از شرک فرار کرده اند)، گفته شد. آیا پس منافقند فرمود: (منافقان کم ذکر الله می کنند)، گفته شد: پس چه کسی هستند؟ فرمود: (قومی هستند که علیه ما بغی کرده اند.)

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله تعالی می فرماید: (از مسائلی که دلالت می کند بر این که صحابه خوارج را تکفیر نکردند این بود که؛ پشت سر خوارج نماز می خواندند، عبدالله ابن عمر و صحابه دیگر پشت نجدة الحروری (از بزرگان خوارج) نماز می خواندند و همینطور با آنها گفتگو کرده و سخن می گفتند همانطوریکه دو مسلمان با هم سخن می گویند، عبد الله بن عباس با نجده حروري نامه نگاری می کرد و به سؤالات او پاسخ می داد همانطوریکه در بخاری روایت شده است و یا این که جواب نافع بن ارزق را درباره چند مسأله مشهور می داد و نافع نیز حول مسائل قرآن با او مناظره می کرد همانطوریکه دو مسلمان با همدیگر مناظره می کنند، همیشه سیره مسلمین بر این بوده است و آنها را مرتد ندانسته اند مثل مرتدینی که ابوبکر صدیق با آنها جنگید.)

تا اینکه می فرماید: (صحابه رضی الله عنهم و تابعین آنها را تکفیر نکرده اند و آنها را مرتد ندانسته اند و حتی نه از لحاظ قولی و نه از لحاظ فعلی در مورد آنها تجاوز نکرده اند، بلکه درموردشان تقوای الله را رعایت نموده، و راه و روشی عادلانه در مورد آنها پیشه کردند.) اهـ [منهاج السنه 247/5]

امام ابن بطال رحمه الله تعالی می فرماید: (جمهور علما براین می باشد که خوارج از جمله مسلمین خارج نیستند، چرا که در حدیث آمده است: (یتماری من الفوق)؛ تماری به معناي شک است، پس هر گاه در این موضوع شک وارد شد نمی توان به قطع و یقین جزم به خروج آنها از اسلام نمود، هر کس عقد اسلام او به یقین بسته شده است، از آن هم خارج نمی گردد إلا با یقین، و گفت: از علی رضی الله عنه پرسیده شد؛ آیا آنها کافر شده اند؟ فرمود: (آنها از کفر گریخته اند.)اهـ [فتح الباری 375/12]

امام نووی رحمه الله تعالی می فرماید: (مذهب امام شافعی و جمهور یاران و شاگردانش این است که خوارج تکفیر نمی شوند.)اهـ [شرح صحیح مسلم 225/7]

امام ابن حجر رحمه الله تعالی می فرماید: [رأی أکثر علمای أصولی اهل سنت این است که خوارج از فسّاق می باشند و به خاطر تلفظ شهادتین و پایبندی به احکام اسلام, احکام مسلمانان بر روی آنها اجرا می گردد. فقط فاسق دانسته می شوند به خاطر این که مسمانان را بر اساس تأویلات و دلائل فاسدی[10] تکفیر کرده و بنابراین خون مال مخالفان خود را حلال کرده و شهادت بر کافر ومشرک بودن آنها می دهند.) اهـ[فتح الباری 375/12]

بلکه امام خطابی اجماع بر عدم تکفیر خوارج می آورد و می فرماید: (علمای اهل اسلام اجماع کرده اند خوارج علی رغم گمراهی که دارند، فرقه از فرقه مسلمانان محسوب می شوند، و نکاح با آنها و خوردن

---

[10] . قبلا اشاره شد که دولت اسلامي اين فصائل را بر اساس هوي و هوس و يا شهوات و شبهات تكفير نمي كند تا داخل در اين جمله ائمه شود! بلكه بر اساس يك سري اسباب كفري كه از طريق بيانيه هيئت شرعي خود ثابت كرده است تكفير مي نمايد, مي توان مختصرا به اين اسباب اشاره كرد: الف. تصحيح مذهب كفار و دعوت به سوي ان (مانند دموكراسي و يا دولت مدني و يا حريت راي, اشخاصي همانند ابوعيسي احمد الشيخ رئيس حركت صقور الشام و فرمانده نظامي الجبهة الاسلامية در نوار تصويري بصراحت اذعان مي كند كه به سوي اين مبادئ دعوت مي دهند و بلكه او اولين داعي به سوي اين امور است!!!) ب. دخول به مجالس كفري و عضويت در ان ها (مجالس كفري همانند هيئت اركان و ائتلاف كه حتي خود ابومحمد جولاني هم اين مجالس را كفري دانسته و اعضايش را تكفير كرده است (مراجعه به بيانيه صوتي: ليتك رثيتني) نه تنها جبهة الاسلامية رفتن و عضويت خود را در ائتلاف انكار نكرده و به كفر بودن ان اقرار نكرده بلكه جواز ان را از باب سياست شرعي دانسته است (مراجعه به: تغريدات ابوعيسي الشيخ در التويتر و بيانيه هيئت شرعي دولت اسلامي) براي اطلاع بيشتر مراجعه كنيد به مراجع معرفي شده.. بارك الله فيكم), ج. تولي مرتدين عليه مسلمين (قضاياي اتارب و اطمة و ديرالزور!! به اصدار "حقيقة الدولة الاسلامية و خصومها"و "تفنيد الشبهات" مراجعه كنيد, خود بيانيه هيئت شرعي نيز به اين موضوع اشاره اي نموده است.), د. استعانت (يا تعاون) كفار عليه مسلمين (كه در اين تحالف جهاني كفار عليه مجاهدين دولت, اين امر به وضوح روشن است كه اين فصائل به نام استعانت ازكفار عليه خوارج, در منجلاب تعاون با كفار عليه مسلمين افتاده اند!! زيرا شروط جواز استعانت از كفار عليه بغاة در اينان موجود نيست! مثلا راية و غلبة و اكثريت با اين فصائل نيست! و اينكه حتما كفار بر روي مسلمين غلبه خواهند كرد! و اينكه نمي توان از شر اين كفار ايمن بود! اين سه تا شروط اصلي جواز استعانت از كفار مي باشد كه در اين حالت موجود نيست!!)
تنبيه: اينكه ما فيلم به عنوان منبع و مرجع معرفي كرده ايم به خاطر محتواي مستدل ان است نه امر زائد ديكري!!مترجم

ذبائح آنها جایز دانسته اند مادامیکه آنها متمسّک به اصل اسلام هستند، آنها را تکفیر نمی کنند.) اهـ [فتح الباری 375/12]

بلکه حتی دولت اسلامی از خوارج باشد باز هم جایز نیست جنگ با آنان را شروع کرد بلکه سنت است که روش آگاه ترین فرد با آنها یعنی خلیفه چهارم أمیر المرمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه درباره انها اجرا گردد که فرمود : (شما سه حق بر ما دارید :

الف) از نماز خواندن در این مسجد منعتان نکنیم.

ب) شما را از غنایم جنگی منع نکرده و سهمتان را بپردازیم.

ج) باشما جنگ را شروع نکنیم تا این که شما شروع کنید.

[روایت ابن ابی شیبه در المصنف 327/15-238 و ابن جریر الطبری در تاریخش 668/5 و امام شافعی در الأم 136/4 و سندش منقطع است ولی شواهد دیگری دارد که مشابهت شده است و این رأی شیخ الألبانی در إرواء الغلیل 117/8-118است]

امام ابن قدامه رحمه الله تعالی فرموده است: (خوارجی که با گناهان تکفیر می کنند, عثمان و علی و طلحة و زبیر و بسیاری از صحابه را تکفیر کرده و خون مسلمانان و أموالشان را مباح کردند، ظاهر قول فقهائی که أصحاب ما مي باشند این است که آنها بغاة هستند، و این قول ابو حنیفة و شافعی و جمهور فقهاء و بسیاری از اهل حدیث است.) اهـ [المغنی 328/12]

پس چطور با آنها جنگیده می شود و تشویق جنگ با آنها می شود در حالیکه آنها جنگ را شروع نکره اند؟؟ و چطور أموال و ماشین هایشان و مقراتشان به عنوان غنیمت گرفته می شود؟؟ بلکه چطور اسرای آنها کشته شده و فراری هایشان تعقیب کرده می شوند؟؟ و ا ز همه بزرگتر چطور بر زنان پاکدامن و عفیف آنها تجاوز کرده می شود؟؟ اهل علم در کتب خود به فرق بین قتال مشرکین اشاره کرده اند، همانطور که امام قرافي رحمه الله می فرماید: (قتال با خواج و بغاة و قتال با مشرکین از یازده وجه با هم فرق دارد؛ هدف از قتال خوارج دفعشان مي باشد نه کشتنشان، فراری هایشان تعقیب نمی شود، مجروحین و زخمی هایشان کشته نمی شود، اسرای آنها کشته نمی شود[11]، اموالشان به عنوان غنیمت گرفته نمی شود، برای جنگ با آنها جایزه ومالی تعیین نمی شود، درختانشان قطع نمی شود.) اهـ [أنوار البروق فی أنواع الفروق 172/4]

---

[11] . این فصائل با این که دولت را خوارج مي دانند ولي اسراي ان را هم مي کشند!! (قضاياي مارع و اطراف دمشق که جيش الاسلام به رئاست علوش تعدادي از مجاهدين دولت را کرفته و لباس نارنجي به تن انها کرده و انها را به قتل رساندند!!).. فقه عجيبي است!! خوارجند ولي اسرايشان کشته مي شود!!!مترجم

سپس با این همه حتی اگرحکم قتال آنها اصلش بر جواز باشد، آیا در زمان قتال با نصیری ها و رافضی ها شروع جنگ با آنها جایز است؟؟ بلکه عجیب تر از هر چیزی این است که اینان برای جنگ با دولت اسلامی آنطور که جمع شده اند، برای جنگ با نصیری ها جمع نشده اند!

از واجبات حتمی امروز یکی این است که این فصائل (اسلامی) فوراً دست از جنگ با دولت اسلامی بردارند، هرچند اعتقاد داشته باشند آنها خوارج هستند. بلکه واجب این است که دستشان را در دست شیران دولت اسلامی بگذارند برای قتال با رافضی ها و نصیری ها، امام شمس الدين الذهبی در سیره امام أبو الفضل العباس الممسي رحمه الله می نویسد: (وقتی که أبو يزيد مخلد بن كندار الأعرج بزرگ خوارج علیه بنی عبید (فاطمی های باطنی) قیام کرد، شیخ ممسي همراه با تعدادي از علمای قیروان خارج نیز شدند، به خاطر عظمت بلایی که از طرف بنی عبید به سرزمین انان آمده بود، دیگر امر عبیدی ها کشف شده و باطنشان ظاهر گشته بود، تا حدی که شخصي به نام حسن الضرير که بسیار ناسزاگو بود را در راه های مسلمانان قرار داده بودند تا به صحابه ناسزا بگوید و هر کس هم اعتراض می کرد گردنش را می زدند، این وقایع در اوایل دولت سوم اسماعیل بود تا اینکه مخلد الزناتی (أبو يزيد) که شخص زاهدی بود قیام نمود و همه را تشویق به قیام نمود، تا این که بلاد را فتح کرده و شهر قیروان را آزاد نمود ولی این خوارج کار های زشت بسیاری نیز کردند تا حدّی که علما بر أبو يزيد عیب گرفتند.)

تا این که می فرماید: (خوارج دشمنان مسلمین هستند ولی عبیدی های باطنی دشمنان الله و رسولش بودند.) اهـ [سير الأعلام النبلاء 372/15][12]

این همان مذهب صحیح می باشد نه آنچه که هر شخص عالم نمایی از خود فتوا دهد ، شيخ الإسلام ابن تيمیه رحمه الله تعالى می فرماید: (اگر اقامه واجبات از علم و جهاد و غیره امکان نداشت الا توسط شخصی که دچار بدعت شده است و ضررش کمتر از ضرر انجام ندادن این واجبات باشد، به دست آوردن این واجبات همراه با متحمل شدن ضررهای مرجوحی بهتر است از برعکسش.)اهـ [مجموع الفتاوى 212/28]

خـــــــاتـــمـــــه

این مقاله حاوي دلایل روشني بود در رد بر سخنان کساني كه دولت اسلامي را متهم بر خوارج بودن مي كنند. کسي كه به دنبال حق باشد يك دليل برايش كافي است ولي متبع هوي و هوس برایش هزار دلیل هم كفايت نمي كند. الله متعال مي فرمايد:

[12] . ولي بايد دانست كه برخي عالم نماها نه تنها دولت را خوارج نمي دانند بلكه قول هركس كه قائل به خوارج بودن انها نيز باشد را تخطئه مي كنند!مثلا سعد الشثري (عضو سابق هيئت كبار علماي سعودي) دولت اسلامي را ملاحده و كفار مي داند!!

(إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ) (وَلَوْجَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ) : بي شك كساني كه حكم خداي تو نسبت به ايشان اين است كه ايمان مي أورند ولو اينكه همه دلايل روشن به سراغ انان بيايد تا زمانيكه عذاب دردناك را با ديده خود ببينند. ايات 96 و 97 سوره يونس.
هركسي كه اين همه دلايل واضح و روشمن را قبول نكرده و دوباره انها را به خارجيت متهم نمايد ميتواند از طريق بحث علمي و مناظره مشكل خود را حل كند.
بسيار زيباست اين روايت از عمر بن عبدالعزيز رحمه الله كه به شوذب خارجي نوشت:
(به من ابلاغ شده است كه تو به خاطر الله و رسولش خارج شده اي درحاليكه از ما هم برتر نيستي! بيا با هم مناظره كنيم! اكر ما حق باشيم تو بايد در انجه كه مردم داخل شده اند داخل شوي ولي اكر توحق باشي ما براي خود جاره اي بيابيم!) اهـــ (المناظرة التي جرت بين عمر بن عبدالعزيز و شوذب عند ابن الحكم ص 99 الي 102)
اين فصايل جرا نمي خواهند اقتدا به عمر بن عبدالعزيز كنند در حاليكه از خود اين همه تمايل به سوي عبدالله بن عبدالعزيز نشان مي دهند؟؟

و خصومنا قد كفرونا بالذي
هو غاية التوحيد و الايمان
(مخالفين ما به سبب توحيد و ايمان مارا تكفير مي كنند)[13]

و من العجائب انهم قالو لمن
قد جاؤا بالاثار و القران
انتم بذا مثل الخوارج انهم
اخذوا الظواهر ما اهتدوا لمعان
(از عجائب يكي اين است كه انها به كسي كه استدلال به قران و سنت كند مي كويند شما به خاطر استدلالات و استنباطاتتان مثل خوارجي هستيد كه به ظاهر نص مينكريد ولي معاني و باطن ان را نمي فهميد!!)

فانظر الي ذا البهت هذا وصفهم
نسبوا اليه شيعة الايمـــــان
سلوا علي سنن الرسول و حزبه
سيفين سيف يد و سيف لسان
(بنكر به اين وصف بهتان كاران! كه جطور اين تهمت ها را به اهل ايمان مي زنند! و به اين طريق عليه سنت رسول صلي الله عليه و سلم و اهل سنت دو شمشير بيرون مي كشند: شمشير دست و شمشير زبان!!)

---

13 . دولت اسلامي به خاطر دموكراسي و مدنيت و تعاون با كفار عليه مسلمين اين فصائل را تكفير مي كند ولي برخي از فصائل به اسم خوارج بودن دولت (كه در حقيقت توحيد و ولاء و براء دولت است) ان را تكفير مي كنند همانند الجبهة الشامية و طارق عبدالحليم و سعد الشثري و الهراري!!

و اخر دعوانا ان الحمدالله رب العالمين و صلي الله علي اشرف الانبياء و امام المرسلين و حسبنا الله و نعم الوكيل.

18 ربيع الاول 1435